

بسم الله الرحمن الرحيم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه زبان‌شناسی

رساله دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی

**کاربرد شبکه معنایی فریم‌نت در زبان فارسی در تحلیل پیکره‌بنیاد جنبه‌های
فرهنگی واژگان: بررسی موردی حوزه مفهومی فعل‌های «شنیدن» و «گوش دادن»**

استاد راهنما:
دکتر سیدمصطفی عاصی

استادان مشاور:
دکتر آزیتا افراشی
دکتر مسعود قیومی

پژوهشگر
فاطمه نایب‌لوئی

آبان‌ماه ۱۴۰۰

تقدیرنامه

اکنون که به لطف پروردگار و یاری و راهنمایی اساتید عزیزم موفق به انجام این رساله شده‌ام وظیفه خود می‌دانم که نهایت سپاسگزاری را از تمامی عزیزانی که در این راه به من کمک کرده‌اند، به عمل آورم:

در آغاز از استاد بزرگوار و دانشمندم جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی به پاس دانش فراوان و مهربانی پدرانه ایشان که راهنمایی این رساله را به عهده داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. از استاد نازنین و بسیار دوست‌داشتنی، سرکار خانم دکتر آزیتا افراشی به پاس دانش روزافزون، عاطفه سرشار، گرمای امیدبخش وجودشان، یاری‌ها و راهنمایی‌های بی‌چشمداشت‌شان که بسیاری از سختی‌ها را برایم آسان نمودند و مشاوره این رساله را قبول زحمت کردند، سپاسگزارم.

از استاد گرامیم جناب آقای دکتر مسعود قیومی نهایت سپاس را دارم. همراهی و دانش وسیع ایشان، رهگشای روزنه‌های بی‌شماری در این رساله بود.

از جناب آقای دکتر ارسلان گلفام، جناب آقای دکتر علی رضاقلی فامیان و سرکار خانم دکتر اتوسا رستم‌بیک که زحمت داوری این رساله را به عهده داشتند سپاس فراوان دارم.

خالصانه از تمامی اساتید، معلمان و مدرسانی که در مقاطع مختلف تحصیلی به من علم آموخته و مرا از سرچشمه دانایی سیراب نموده‌اند متشکرم.

پیشکش به پدر و مادرم

و

همسر و پسر

به پاس قدردانی از زحماتشان

چکیده

تمایزات واژگانی میان زبان‌ها، بیانگر تفاوت در فرهنگ‌های مرتبط با هر زبان است. واژه‌های چندمعنا در هر فرهنگ، نمودی از این قبیل تمایزات واژگانی در یک زبان هستند. در معناشناسی شناختی، رویکردهای مختلفی به پدیده چندمعنایی در زبان وجود دارد؛ نظریه معناشناسی قالبی یکی از این رویکردها در معناشناسی شناختی است که به مسئله چندمعنایی، از منظر قالب‌های معنایی نگریسته است. شبکه برخط فریم‌نت گونه تکامل‌یافته نظریه معناشناسی قالبی است. تفکر اصلی این شبکه تحلیل معنا از رهیافت قالب‌های معنایی در شبکه‌ای از قالب‌هاست. در ابتدای امر، این شبکه مختص زبان انگلیسی بود و صرفاً واژه‌های انگلیسی و قالب‌های انگلیسی در آن تحلیل می‌شد؛ ولی از سال ۲۰۰۲ با راه‌اندازی فریم‌نت در زبان آلمانی، در زبان‌های اسپانیایی، ژاپنی، پرتغالی، سوئدی، فرانسوی، چینی، کره‌ای و تعدادی زبان دیگر، نیز مشابه این شبکه راه‌اندازی شد. قالب‌های معنایی، بسته‌هایی معنایی هستند و هر قالب متشکل از مؤلفه‌های معنایی است. روابط معنایی در این شبکه، به‌صورت روابط میان قالب‌های معنایی که روابط میان قالبی نامیده می‌شود، ارائه شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا تحلیلی معنایی و پیکره‌بنیاد از چندمعنایی حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی بر مبنای اصول شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی ارائه شود و پس از آن قالب‌های معنایی این دو حوزه مفهومی میان دو زبان فارسی و انگلیسی مقایسه شود. بر این اساس، کلیدواژه‌های «گوش‌کردن» و «شنیدن» در آثاری همچون *شارده* / *احتجاب*، *شوهر آهوخانم*، *غریبه‌ها و پسرک بومی*، *لولی سرمست*، *الجزایر و مردان مهاجر*، *این سه زن* / *اشراف پهلوی*، *مریم فیروز*، *ایران تیمورتاش*، *مرفد آقا*، *سگ و زمستان بلند* و *قصه‌های بهرنگ* از پیکره داده زبان فارسی، بررسی شد و از میان مفاهیم موجود در جملات شاهد، هفت قالب معنایی «حس فعال»، «ادراک حسی»، «جستجو»، «آگاهی»، «اطاعت»، «توجه» و «فهمیدن» استخراج شد. نکته حائز اهمیت دیگر وجود سه رابطه میان قالبی «توارث» میان قالب والد «ادراک» و فرزند «حس فعال» و قالب والد «ادراک» و فرزند «ادراک حسی» و قالب والد «آگاهی» و فرزند «فهمیدن»، یک رابطه میان قالبی «کاربرد» میان قالب والد «توجه» و فرزند «حس فعال» و یک رابطه میان قالبی «بیشتر» میان قالب‌های «حس فعال» و «ادراک حسی» در زبان فارسی است. لازم به ذکر است که قالب‌های معنایی این دو حوزه مفهومی میان زبان فارسی و زبان انگلیسی به رغم وجود تفاوت‌هایی جزئی در اجزای قالب فرعی، در اجزای قالب اصلی مشابه هم بودند. نتایج بررسی‌ها، بیانگر این مطلب بود که رویکرد حاضر به پدیده چندمعنایی، رویکردی کارآمد برای بررسی چندمعنایی مفاهیم افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در زبان فارسی است و می‌تواند تصویری از فرهنگ زبان فارسی در این حوزه‌های مفهومی ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، نظریه معناشناسی قالبی، پیکره، شبکه فریم‌نت، شبکه فریم‌نت در زبان فارسی، حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش‌دادن».

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۲
۱-۱. مقدمه.....	۳
۲-۱. بیان مسئله.....	۵
۳-۱. چارچوب نظری پژوهش.....	۶
۴-۱. پرسش‌های پژوهش.....	۸
۵-۱. فرضیه‌های پژوهش.....	۹
۶-۱. ضرورت انجام پژوهش.....	۹
۷-۱. اهداف پژوهش.....	۱۴
۸-۱. تعریف واژه‌های کلیدی.....	۱۵
۹-۱. ساختار رساله.....	۲۰
فصل دوم: پیشینه پژوهش.....	۲۲
۱-۲. مقدمه.....	۲۳
۲-۲. آثار انجام شده در زبان‌هایی غیر از زبان فارسی.....	۲۳
۱-۲-۲. وربنت.....	۲۳
۲-۲-۲. شبکه وردنت.....	۲۴
۳-۲-۲. شبکه فریم‌نت.....	۲۵
۴-۲-۲. متانت.....	۳۰
۳-۲. آثار انجام شده در زبان فارسی.....	۳۳
۴-۲. جمع‌بندی.....	۳۸
فصل سوم: مبانی نظری پژوهش.....	۴۰
۱-۳. مقدمه.....	۴۱
۲-۳. مسئله مقوله‌بندی در رویکردهای پیش از شبکه فریم‌نت.....	۴۲
۱-۲-۳. مسئله مقوله‌بندی در رویکرد کلاسیک.....	۴۳
۲-۲-۳. مقوله‌بندی در رویکرد ساختگرا.....	۴۵
۳-۲-۳. مقوله‌بندی در رویکرد زایشی.....	۴۶

۴۹	۳-۲-۴. مقوله‌بندی از دیدگاه لودویگ ویتگنشتاین.....
۵۲	۳-۲-۵. مقوله‌بندی از دیدگاه لباو.....
۵۳	۳-۲-۶. مقوله‌بندی از منظر نظریهٔ فرازبان طبیعی معنایی.....
۵۶	۳-۳. مقوله‌بندی در رویکرد شناختی.....
۵۷	۳-۳-۱. مقوله‌بندی در اندیشه رُش.....
۶۱	۳-۳-۲. مقوله‌بندی از منظر نظریهٔ فضاهاى ذهنی.....
۶۳	۳-۳-۳. مقوله‌بندی از منظر مقولات شعاعی.....
۶۵	۳-۳-۴. مقوله‌بندی از منظر الگوهای شناختی آرمانی شده.....
۶۷	۳-۳-۵. مقوله‌بندی از دیدگاه لانگا کر.....
۶۹	۳-۳-۶. مقوله‌بندی و الگوی مجموعه‌های هم‌پوشانی.....
۷۰	۳-۳-۷. مقوله‌بندی و زنجیره‌های معنا.....
۷۱	۳-۳-۸. مقوله‌بندی از منظر نظریهٔ معناشناسی قالبی.....
۷۴	۳-۳-۹. شبکهٔ فریم‌نت.....
۷۷	۳-۴. جمع‌بندی.....
۷۹	فصل چهارم: ساختار فریم‌نت.....
۸۰	۴-۱. مقدمه.....
۸۰	۴-۲. چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن».....
۸۱	۴-۲-۱. چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش‌دادن» در فرهنگ‌های واژه.....
۸۱	۴-۳. پیکره.....
۸۲	۴-۳-۱. پیکره‌های زبانی در زبان فارسی.....
۸۶	۴-۳-۲. پیکرهٔ دادهٔ زبان فارسی.....
۸۶	۴-۳-۳. تحلیل آماری داده‌ها.....
۸۷	۴-۴. شکل‌گیری فریم‌نت در زبان فارسی.....
۸۹	۴-۴-۱. قالب‌های معنایی.....
۱۰۶	۴-۴-۲. نشانه‌گذاری متون.....
۱۲۰	۴-۴-۳. مدخل واژگانی.....
۱۲۵	۴-۴. نرم‌افزار شبکهٔ فریم‌نت.....

۱۲۶.....	۵-۴. جمع بندی
۱۲۷.....	فصل پنجم: یافته‌های پژوهش
۱۲۸.....	۵-۱. مقدمه
۱۲۸.....	۵-۲-۱. چندمعنایی افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در فرهنگ‌های واژه
۱۳۲.....	۵-۳. تحلیل معنایی افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در شبکه فریم‌نت
۱۳۳.....	۵-۳-۱. قالب‌های معنایی
۱۷۴.....	۵-۳-۲. نشانه‌گذاری حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش دادن»
۲۱۰.....	۵-۳-۳. مدخل‌های واژگانی حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی
۲۳۸.....	۵-۴. تبیین شناختی قالب‌های موجود در آثار
۲۴۲.....	۵-۵. غنای واژگانی آثار
۲۴۷.....	۵-۶. مقایسه قالب‌های معنایی حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» میان زبان فارسی و انگلیسی
۲۵۶.....	۵-۷. نتیجه‌گیری
۲۵۸.....	فصل ششم: بحث، تفسیر و استنتاج
۲۵۹.....	۶-۱. مقدمه
۲۵۹.....	۶-۲. خلاصه پژوهش و بحث و بررسی یافته‌ها
۲۶۱.....	۶-۳. ارزیابی فرضیه‌ها؛ تایید یا رد آنها
۲۶۲.....	۶-۴. پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی
۲۶۳.....	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۲۷۳.....	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۲۸۲.....	کتابنامه
۲۸۲.....	منابع فارسی
۲۸۵.....	منابع انگلیسی
۳۰۶.....	پیوندها
۳۰۷.....	Abstract

فهرست جدولها

جدول ۱: فهرست واحدهای واژگانی شبکه فریم نت	۲۶
جدول ۲: مجموعه‌های نشانه‌گذاری شده شبکه فریم نت	۲۶
جدول ۳: دو قالب از شبکه فریم نت	۷۶
جدول ۴: رابطه‌های میان‌قالبی	۹۷
جدول ۵: لایه‌های نشانه‌گذاری	۱۰۹
جدول ۶: انواع ظرفیت‌های نحوی اجزای قالب	۱۲۳
جدول ۷: الگوهای ظرفیتی	۱۲۴
جدول ۸: مفاهیم مستخرج از فرهنگ‌ها	۱۳۱
جدول ۹: معانی و قالب‌ها	۱۳۴
جدول ۱۰: قالب‌های معنایی و اجزای قالب	۱۵۷
جدول ۱۱: مجموعه‌های اصلی قالب‌های حوزه مفهومی «شنیدن»	۱۶۰
جدول ۱۲: مجموعه‌های اصلی قالب‌های حوزه مفهومی «گوش دادن»	۱۶۳
جدول ۱۳: انواع معنایی اجزای قالب افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی	۱۶۷
جدول ۱۴: رابطه قالب‌های مربوط با افعال «شنیدن» و «گوش دادن» با قالب‌های دیگر در شبکه فریم نت	۱۷۲
جدول ۱۵: رابطه‌های موجود میان ۷ قالب حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش دادن»	۱۷۳
جدول ۱۶: برجسب‌های معنایی	۱۷۴
جدول ۱۷: شنیدن. فعل (شوهر آهو خانم؛ علی محمد افغانی)	۱۷۶
جدول ۱۸: شنیدن. فعل (الجزایر و مردان مجاهد؛ حسن صدر)	۱۷۸
جدول ۱۹: شنیدن. فعل (شازده احتجاب؛ هوشنگ گلشیری)	۱۷۸
جدول ۲۰: شنیدن. فعل (قصه‌های بهرنگ؛ بهرنگ)	۱۸۱
جدول ۲۱: شنیدن. فعل (مرقد آقا؛ نیما یوشیج)	۱۸۴
جدول ۲۲: شنیدن. فعل (این سه زن (اشرف پهلوی، مریم فیروز، ایران تیمورتاش)؛ مسعود بهنود)	۱۸۵
جدول ۲۳: شنیدن. فعل (سگ و زمستان بلند؛ شهرنوس پارس‌پور)	۱۹۱
جدول ۲۴: شنیدن. فعل (غریبه‌ها و پسرک بومی؛ احمد محمود)	۱۹۲
جدول ۲۵: شنیدن. فعل (لولی سرمست؛ رسول پرویزی)	۱۹۳
جدول ۲۶: گوش دادن. فعل (شوهر آهو خانم؛ علی محمد افغانی)	۱۹۳
جدول ۲۷: گوش دادن. فعل (شوهر آهو خانم؛ علی محمد افغانی)	۱۹۵
جدول ۲۸: گوش دادن. فعل (الجزایر و مردان مجاهد؛ حسن صدر)	۱۹۵
جدول ۲۹: گوش دادن. فعل (قصه‌های بهرنگ؛ بهرنگ)	۱۹۶

- جدول ۳۰: گوش دادن. فعل (مرقد آقا؛ نیما یوشیج)..... ۱۹۹
- جدول ۳۱: گوش دادن. فعل (این سه زن (اشرف پهلوی، مریم فیروز، ایران تیمورتاش؛ مسعود بهنود)..... ۲۰۰
- جدول ۳۲: گوش دادن. فعل (سگ و زمستان بلند؛ شهرنوس پارسی پور)..... ۲۰۳
- جدول ۳۳: گوش دادن. فعل (غریبه ها و پسرک بومی؛ احمد محمود)..... ۲۰۴
- جدول ۳۴: گوش دادن. فعل (لولی سرمست؛ رسول پرویزی)..... ۲۰۵
- جدول ۳۵: قالب های موجود در آثار با کلیدواژه «شنیدن»..... ۲۳۹
- جدول ۳۶: قالب های موجود در آثار با کلیدواژه «گوش دادن»..... ۲۴۰
- جدول ۳۷: اطلاعات آماری واژه های هدف..... ۲۴۳
- جدول ۳۸: مقایسه میان اجزای قالب افعال «شنیدن» و «گوش دادن» میان دو زبان فارسی و انگلیسی..... ۲۵۴

فهرست تصاویر

تصویر ۱: شبکه وربنت و شبکه فریمنت.....	۱۰
تصویر ۲: طبقه‌بندی لوین.....	۱۲
تصویر ۳: طبقه‌بندی شبکه فریمنت.....	۱۳
تصویر ۴: سلسله مراتب شبکه وربنت.....	۱۳
تصویر ۵: سلسله مراتب شبکه فریمنت.....	۱۴
تصویر ۶: افعال در شبکه وربنت.....	۲۴
تصویر ۷: سلسله مراتب شبکه وربنت.....	۲۴
تصویر ۸: استعاره «فقر» در شبکه استعاره‌نت.....	۳۲
تصویر ۹: زیربخش‌های شبکه استعاره‌نت.....	۳۳
تصویر ۱۰: الگوی مجموعه‌های هم‌پوشان.....	۷۰
تصویر ۱۱: الگوی شبکه فریمنت در زبان فارسی.....	۸۹
تصویر ۱۲: رابطه میان قالبی منظر.....	۱۰۱
تصویر ۱۳: رابطه میان قالبی کاربرد.....	۱۰۲
تصویر ۱۴: رابطه میان قالبی قالب فرعی.....	۱۰۴
تصویر ۱۵: قالب‌های فرعی قالب «چرخه خواب و بیداری».....	۱۰۵
تصویر ۱۶: رابطه‌های میان قالب‌های معنایی حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی.....	۱۷۴
تصویر ۱۷: مقولات شعاعی افعال «شنیدن» و «گوش دادن».....	۲۴۲

پیشگفتار

شبکه فریم‌نت شبکه‌ای معنایی است و در بسیاری از زبان‌ها از جمله زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، چینی، کره‌ای، اسپانیایی، عربی و چند زبان دیگر راه‌اندازی شده است. هدف اصلی این شبکه طی چند سال اخیر، گسترش آن در زبان‌های دیگر و ایجاد ارتباط میان این شبکه‌ها بوده است. در رساله پیش رو، تلاش بر این بوده است تا در ابتدا ساختار شبکه فریم‌نت به تفصیل بیان شود و در راستای آن، بخشی از اطلاعات معنایی و زبان‌شناختی از زبان فارسی ارائه شود. برای این منظور، حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی و در مقوله دستوری «فعل» بر اساس نظریه معناشناسی قالبی و بر اساس اصول شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی تحلیل شده است.

رساله حاضر مشتمل بر شش فصل است. فصل اول مقدمه‌ای بر رساله است و در آن از اهداف، پرسش‌ها و فرضیه‌های مدنظر سخن گفته شده است. در فصل دوم مبانی نظری پژوهش، شیوه انجام آن بررسی شده است و به طور کلی، مبحث مقوله‌بندی در رویکردهای مختلف و در نهایت شبکه فریم‌نت معرفی شده‌اند. در فصل سوم پیشینه‌ای از آثار انجام‌شده بر اساس شبکه فریم‌نت و همچنین از شبکه‌های فریم‌نتی که در زبان‌های مختلف راه‌اندازی شده است، یاد شده است.

در فصل چهارم ساختار شبکه فریم‌نت به تفصیل شرح داده شده است. در فصل پنجم، واژه‌های مختلف دو فعل «شنیدن» و «گوش دادن» و قالب‌های مرتبط با این مفاهیم، اجزای قالب، واحدهای واژگانی، مدخل‌های واژگانی و متون نشانه‌گذاری‌شده، روابط میان مفاهیم از طریق روابط میان‌قالبی ارائه شده است و در فصل ششم، خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

امید بر این است که علاقمندان به حوزه معناشناسی و خصوصاً شبکه فریم‌نت، با بررسی حوزه‌های مفهومی دیگر در زبان فارسی، پنجره‌های زبان‌شناختی بیشتری را به روی شبکه جهانی فریم‌نت بگشایند.

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه

هر شخص به عنوان عضوی از یک جامعه زبانی، در بافت یک فرهنگ زبانی خاص قرار دارد و در ذهنش دانشی پیش‌زمینه‌ای و طرحواره مانند درباره تمام پدیده‌های درون آن فرهنگ مانند «زمین»، «گرما»، «رنگ‌ها»، «رفتن»، «شنیدن» و بسیاری از پدیده‌های دیگر، موجود است. در نظریه معناسازی قالبی^۱ (فیلمور^۲، ۱۹۸۲ب)، دانش فرهنگی و اجتماعی به همراه تجربیات اولیه بر معنای واژه و درک آن تأثیرگذار است (زیم^۳، ۲۰۰۸). فیلمور در این نظریه (۱۹۸۲ب: ۳۷۳)، منطقی متفاوت به معنای واژه‌ها، اصولی برای خلق واژه‌ها و عبارات جدید، افزودن معناهای جدید به واژه‌ها، ترکیب معناهای اجزای یک متن و به دست دادن یک معنای کلی از آن متن ارائه نموده است. بسیاری از واژه‌های درون فرهنگ‌های زبانی، بیش از یک معنا دارند.

دانش مذکور در این نظریه، متشکل از مجموعه‌ای از بسته‌های معنایی به نام قالب‌های معنایی^۴ هستند. قالب‌های معنایی نمونه‌هایی ساختمانند از دانش هستند و برای درک معنای واژه‌ها ضروری قلمداد می‌شوند (فیلمور، ۱۹۸۵؛ پتروک^۵، ۱۹۹۶). قالب‌های شناختی ادراک انسان را جدای از زبان شکل می‌دهد (فیلمور و بیکر، ۲۰۰۹: ۳۱۴) و اجزای قالب بیانگر اجزای یک صحنه هستند. فیلمور (۱۹۸۲ب: ۳۷۳) معتقد است هر قالب معنایی نظامی از مفاهیم مرتبط به هم است و برای درک هر کدام از مفاهیم، کل آن نظام باید بررسی شود و هنگامیکه یک جزء از آن نظام در یک متن یا مکالمه وارد شود، به صورت خودکار، دیگر اجزای آن نظام در دسترس خواهند بود. او در ادامه واژه قالب را اصطلاحی شامل برای مجموعه‌ای از مفاهیم شناخته شده مانند طرحواره^۶، نمایش^۷، سناریو^۸، الگوی شناختی^۹ یا نظریه فولک^{۱۰} در مبحث درک زبان طبیعی می‌داند.

فیلمور شبکه معنایی فریم‌نت (لووی^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۷؛ بیکر^{۱۲} و همکاران، ۱۹۹۸؛ فیلمور و بیکر، ۲۰۰۱؛ فیلمور و همکاران، ۲۰۰۳ب) را مبتنی بر نظریه معناسازی قالبی (فیلمور ۱۹۷۶؛ ۱۹۷۷؛ ۱۹۸۲ب؛ ۱۹۸۵) که توصیفی ساختاری از واژه‌های زبان انگلیسی ارائه می‌کند، راه‌اندازی نمود. این شبکه یک پروژه

¹ Frame Semantics

² Charles J. Fillmore

³ Alexander Ziem

⁴ Semantic Frames

⁵ Miriam.R.L.Petruck

⁶ Schema

⁷ Script

⁸ Scenario

⁹ Cognitive Model

¹ Folk Theory 0

¹ John B. Lowe 1

¹ Collin F. Baker 2

فرهنگ‌نگاری برخط است و در مؤسسه بین‌المللی علوم رایانه^۳ شکل گرفته است. در شبکه فریم‌نت در رویکردی پیکره‌بنیاد، قالب‌های معنایی و اجزای آنها به نام اجزای قالب^۴ بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که تفاوت‌های یادشده در زبان‌ها به صورت واژه‌های متفاوت در یک زبان، با عنوان واحدهای واژگانی^۵ نمود پیدا می‌کنند.

زبان فارسی زبانی مملو از رابطه‌های چندمعنایی است. در یک واژه چندمعنا، قالب‌های مختلفی نهفته است و مفاهیم مختلف آن، از طریق رابطه میان قالب‌های مرتبط با آن واژه تبیین می‌شود. واژه «شنیدن» تقریباً در هر زبانی موجود است و با توجه به پیکره‌های زبانی، می‌توان اطلاعات دقیق‌تری از کاربرد آن در تمام زبان‌ها ارائه نمود. لذا مفهوم آن در همه زبان‌ها به یک معنا نیست و در برخی مؤلفه‌های معنایی، متفاوت هستند و این تفاوت در مؤلفه، منجر به تفاوت معنایی زبان‌ها در یک حوزه معنایی از هم می‌شوند.

با توجه به این نکته که هدف اصلی در این پژوهش تحلیل معنایی واژه‌های خاص فرهنگی مربوط به مفاهیم «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی است، نتایج حاصله می‌تواند در تحقیقات آتی در زمینه‌های دیگری مانند آموزش زبان دوم و تأثیر عامل فرهنگ در آموزش زبان مفید باشد. نظریه معناشناسی قالبی رویکردی مناسب در آموزش و یادگیری واژه‌ها است. فیلمور (۱۹۸۵) و پتروک (۱۹۹۶) اولین محققینی بودند که این نظریه را در حوزه آموزش زبان به کار گرفتند. زیم (۲۰۱۱) معتقد است در یادگیری زبان، می‌توان از رویکرد معناشناسی قالبی برای فراگیری واژه استفاده نمود. به عقیده وی، مفهوم قالب، درک معنا را با نشان دادن روابط میان معنای واژه، کاربرد واژه و دانش دایره‌المعارفی^۶ واژه آسان می‌کند؛ وی همچنین بر این باور است که قالب، ابزاری مناسب برای تدریس زبان است و زبان‌آموز می‌تواند معانی غنی واژه را در بافت فرا بگیرد (زیم، ۲۰۱۱: ۲۷۳). آتسلر^۷ (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر نظریه معناشناسی قالبی در تدریس زبان دوم پرداخته است. وی پیشنهاد می‌کند که برای آموزش اصطلاحات خاص فرهنگ یک زبان باید نظریه معناشناسی قالبی را برای زبان‌آموزان به کار گرفت و با این کار، آگاهی زبان‌آموزان از تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان زبان مادری و زبان هدف بالا می‌رود. به عقیده آتسلر (۲۰۱۱: ۱۶۳) یافته‌های وی خصوصاً در ارتباط با واژه‌هایی است که مختص یک فرهنگ و زبان است و معادل ترجمه آن در زبان دیگر وجود ندارد.

¹ International Computer Science³Institute

¹ Frame Elements (FEs) 4

¹ Lexical Units 5

¹ Encyclopedic Knowledge 6

¹ Judith Kerstin Atzler 7

هدف پژوهش حاضر، تحلیل معنایی فعل‌های «شنیدن» و «گوش دادن» در چارچوب نظریه معنانشناسی قالبی، ارائه تصویر روشنی از چندمعنایی این دو فعل در زبان فارسی از طریق رابطه‌های میان‌قالبی^۸ و مقایسه قالب‌های این دو حوزه مفهومی در زبان فارسی با قالب‌های موجود در این دو حوزه در زبان انگلیسی است.

۱-۲. بیان مسئله

فیلمور و بیکر (۲۰۰۹: ۳۱۶) معتقدند هنگامیکه جمله‌ای توسط یک فرد شنیده می‌شود، قالب‌هایی در ذهن وی شکل می‌گیرد. قالب‌های شکل گرفته افزون بر واژه‌هایی که شنیده است، از دانشی که در ذهن وی در ارتباط با پدیده‌ها و ارزش‌های فرهنگی فرد وجود دارد، نیز متأثر است؛ به همین دلیل هنگامیکه یک لطیفه در زبان دیگری بیان می‌شود، درک معنای آن دشوار است. آنها (همان: ۳۱۵) در ادامه اینگونه بیان داشته‌اند که خواننده برای درک معنای کل متن، تنها با استخراج مفاهیم واژه‌ها از یک فرهنگ واژه، نمی‌تواند به معنای اصلی و کامل متن دست پیدا کند. این نقص در زمینه برنامه‌های پردازش متن نیز صحت دارد.

بسیاری از واژه‌ها بیش از یک مفهوم دارند و به عبارتی چندمعنا هستند و یک ضلع ایجاد ابهام واژگانی را شکل می‌دهند. همانگونه که پیش‌تر ذکر شد، در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی، چندمعنایی‌ها در زبان از طریق قالب‌های معنایی و روابط میان‌قالبی بررسی می‌شود. در این شبکه، تحلیل داده بر اساس جملات موردی استخراج شده از پیکره است و واژه‌ها در چارچوب قالب‌هایی که در ذهن تداعی می‌شوند، توصیف می‌شوند. داده‌های انگلیسی از پیکره ملی بریتانیا استخراج می‌شوند و برای ارتباط‌های نحوی و معنایی، نشانه‌گذاری می‌شوند و در یک وبگاه داده که به وسیله اقام واژگانی و قالب‌ها سازماندهی شده‌اند، ذخیره می‌شوند. این پروژه در زبان‌شناسی رایانشی و پردازش زبان طبیعی بسیار مؤثر بوده است. در شبکه معنایی فریم‌نت در زبان انگلیسی، قالب‌های متعددی برای واژه‌ها و مفاهیم بوجود آمده‌اند؛ یکی از فرضیه‌های این نظریه این است که قالب‌های معنایی را می‌توان در هر زبانی ایجاد نمود. هاید^۹ (۱۹۹۶) و فونتله^{۱۰} (۱۹۹۷) پرسشی چالش‌برانگیز مبنی براینکه آیا می‌توان در زبان‌های دیگر نیز چنین قالب‌هایی را ایجاد نمود، مطرح نمودند. در نتیجه در چند سال اخیر بسیاری از محققین مانند بواز^{۱۱} (۲۰۰۰الف)؛ ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۵ب)، پتروک (۲۰۰۵)، لاینفلت^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۲)، اوهارا^{۱۳} (۲۰۰۹)، کارلوس^{۱۴} (۲۰۰۹) به کاربردی بودن قالب‌های ایجادشده در زبان انگلیسی در زبان‌های دیگر توجه بسیاری داشته‌اند. بواز

¹ Frame-to-Frame Relations	8
¹ Uli Heid	9
² Thierry Fontenelle	0
² Hans C. Boas	1
² Benjamin Lyngfelt	2
² Kyoko Hirose Ohara	3
² Subirats Carlos	4

(۲۰۰۱؛ ۲۰۰۲) معتقد است در بسیاری از حوزه‌های معنایی مانند «حرکت»^{۲۵}، «بلعیدن»^{۲۶} و «ارتباط»^{۲۷} قالب‌های معنایی در زبان‌های دیگر هم ایجاد شده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا افعال «شنیدن» و «گوش دادن» و قالب‌های شکل گرفته در ذهن سخنگوی فارسی زبان، بر اساس اصول شبکه فریم‌نت مشخص گردد.

۳-۱. چارچوب نظری پژوهش

همانطور که اولمان^{۲۸} (۱۹۵۱: ۱۱۷) اظهار داشته است، چندمعنایی محور تحلیل‌های معنایی است. زبان‌شناسان شناختی در دهه ۱۹۸۰ با تکیه بر تحلیل‌های معنایی، پدیده چندمعنایی را از رهیافت مقوله‌بندی مطالعه نموده‌اند. فیلمور در رویکرد شناختی، قالب‌های معنایی را گونه‌ای از مقوله‌بندی مطرح نمود. فیلمور و بیکر (۲۰۰۹: ۳۱۷) معتقدند که فراخوانی قالب معنایی^{۲۹} یک عملکرد شناختی است؛ به گونه‌ای که در این عملکرد هنگامیکه فرد می‌خواهد مفهومی را دریابد، به صورت ناخودآگاه آن را انجام می‌دهد؛ درحالی‌که تداعی یک قالب معنایی^{۳۰} یک تجربه شناختی شخص است و این تجربه شناختی در نتیجه پاسخ فرد به تداعی‌های مختص زبان^{۳۱} است که نشانه‌های زبانی را به قالب‌های خاصی مرتبط می‌کند. بررسی، کشف و تحلیل چنین تداعی‌ها، اصول نظریه معناشناسی قالبی را شکل می‌دهد. نظریه معناشناسی قالبی (فیلمور، ۱۹۸۲ب) یکی از مهمترین نظریات در حوزه معناشناسی واژگانی^{۳۲} است. بنابر باور این نظریه، قالب‌های معنایی بسته‌های معنایی و دانش‌بنیان و نظام‌مند هستند؛ به گونه‌ای که برای فهم معنای واژه‌ها وجود قالب‌ها ضروری است (فیلمور، ۱۹۸۵؛ پتروک، ۱۹۹۶). فیلمور و بیکر (۲۰۰۹: ۳۱۴) معتقدند در نظریه معناشناسی قالبی صورت‌های زبانی مانند واژه‌ها، عبارات و الگوهای دستوری با ساختارهای شناختی یا به عبارتی دیگر با قالب‌های معنایی مرتبطند و این قالب‌های معنایی هستند که فرایند فهم صورت‌های زبانی را تسهیل می‌کنند.

برای نمونه در زبان انگلیسی واحدهای واژگانی «buy»، «sell»، «payment» و «expensive» قالب «تعامل تجاری»^{۳۳} را در ذهن تداعی می‌کند. این قالب به شرح زیر است:

² Motion	5
² Ingest	6
² Communication	7
² Stephen Ullmann	8
² Frame invocation	9
³ Frame evocation	0
³ language-specific associations	1
³ Lexical Semantics	2
³ Commercial_transaction	3

این واژه‌ها یک تعامل تجاری را توصیف می‌کنند و دربردارنده اجزای قالب «خریدار»^{۳۴}، «فروشنده»^{۳۵} «پول»^{۳۶} و «کالا»^{۳۷} هستند. این واژه‌ها هر کدام از منظری متفاوت قالب را نشان می‌دهند. می‌توان قالب مذکور را از منظر واژه خریدار نگریست؛ از دیدگاه این منظر، این خریدار است که در عوض پول کالا را از فروشنده می‌خرد و در مرکز توجه قرار دارد. حال اگر از منظر واژه فروشنده به این قالب بنگریم، شخص فروشنده که کالا را که در عوض پول به خریدار می‌فروشد، در مرکز توجه است. پیش از شکل‌گیری شبکه فریم‌نت، فیلمور و اتکینز (۱۹۹۲: ۷۵) از یک فرهنگ واژه برخط صحبت کرده بودند که در بر اساس قالب‌های معنایی شکل می‌گیرد. در چنین فرهنگی، مفاهیم متعدد واژه‌ها، ارتباط میان مفاهیم واژه‌های چندمعنا^{۳۸} ارتباط میان مفاهیم واژه‌هایی که به لحاظ معنایی به هم مرتبط هستند با ساخت‌های شناختی یا همان قالب‌های معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بواز (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۵ الف) چندین مرحله برای ایجاد قالب‌های معنایی بر اساس اصول شبکه فریم‌نت مطرح نمود؛ وی معتقد است که می‌توان مواردی را هم که ترجمه یک به یک ندارند و ممکن است سه ترجمه برای یک مورد وجود دارد، نیز بررسی نمود (بواز ۲۰۰۱). در زبان‌هایی علاوه بر زبان انگلیسی چندین شبکه فریم‌نت راه‌اندازی شده است. از این دست موارد می‌توان به زبان فرانسه (اشمیت، ۲۰۰۹)، زبان آلمانی (بوچارت و همکاران، ۲۰۰۹)، زبان عبری (پتروک، ۲۰۰۹)، زبان ژاپنی (اوهارا، ۲۰۰۹)، زبان پرتغالی (برتولدی و همکاران، ۲۰۰۹)، زبان سوئدی (بورین، ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۰) و عربی (قنیم و همکاران، ۲۰۰۹) اشاره نمود. البته بسیاری از محققین در این زمینه معتقدند که ایجاد یک واژگان مانند مدخل‌های واژگانی موجود در شبکه فریم‌نت در زبان انگلیسی به دلایل چندمعنایی و اغلب حذف برخی از اجزای قالب امری مسئله‌ساز خواهد بود (بوچارت و همکاران، ۲۰۰۹؛ بوواز، ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۵ ب)، اما در این موارد می‌توان به مسئله مهم بررسی واژه‌های خاص یک فرهنگ توجه نمود.

بواز (۲۰۰۱) معتقد است روند ایجاد توصیف‌های واژگانی برای واحدهای واژگانی در زبان آلمانی بر اساس شبکه معنایی فریم‌نت به شرح زیر است: ابتدا معادل‌های ترجمه واحدهای واژگانی در قالب مورد نظر از زبان انگلیسی به زبان هدف پیدا می‌شود؛ در بهترین شرایط، معادل‌های یافت‌شده نمایانگر همان

3 BUYER	4
3 SELLER	5
3 MONEY	6
3 GOODS	7
3 Polysemous Words	8
3 Thomas Schmidt	9
4 Aljoscha Burchardt	0
4 Anderson Bertoldi	1
4 Lars Borin	2
4 Nada Ghneim	3

مفاهیم یا مفاهیم مشابه در زبان انگلیسی هستند که به صورت واحدهای واژگانی نمود پیدا کرده‌اند. تحلیل پیکره‌بنیاد گامی مهم در این راستا است؛ در این گونه تحلیل، الگوهای نحوی^{۴۴} نیز نمایان است. پس از نشانه‌گذاری^{۴۵} معنایی جملات مستخرج از پیکره، مدخل‌های واژگانی^{۴۶} در زبان هدف نوشته می‌شود. به عقیده بواز (۲۰۰۲: ۶) در هر واحد واژگانی، اطلاعات معنایی و نحوی رمزگذاری شده است؛ با وجود فهرست اجزای قالب می‌توان چگونگی این اطلاعات رمزگذاری شده را در واحدهای واژگانی در زبان مبدأ و زبان مقصد بررسی نمود. این حرف بدین معناست که برای هر مشخصه ترکیبی نحوی و معنایی یک واحد واژگانی در زبان مبدأ، یک ارتباط به همتای خود در زبان مقصد وجود دارد و این ارتباط از قالب معنایی به مثابه یک ابزار ساختاری استفاده می‌شود.

در نظریه معنانشناسی قالبی، واژه‌ها قالب‌هایی را به ذهن متبادر می‌کنند که نشأت گرفته از دانش جهانی^{۴۷} فرد هستند (فیلمور، ۱۹۸۵). به عبارتی دیگر برای فهم معنای یک واژه، باید مجموعه‌ای از اطلاعات پیش‌زمینه‌ای پیچیده و چندجانبه وجود داشته باشد. در این رویکرد اثرات اطلاعات پیش‌زمینه‌ای فرد در جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و تجربیات فرد در استفاده از معنای واژه مدنظر است (زیم، ۲۰۰۸)؛ از این رو بررسی واژه‌های خاص فرهنگ‌ها در این رویکرد مدنظر است.

برای بررسی واژه‌های «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی ابتدا فرهنگ‌های واژه‌سنتی بررسی می‌شوند و سپس به بررسی این واژه و مفاهیم آن در رویکرد معنانشناسی قالبی (فیلمور، ۱۹۸۲ب) و اصول شبکه معنایی فریم‌نت بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد که توصیف‌های موجود در فرهنگ‌های واژه‌تک‌زبانه غالباً اطلاعات کامل و جامعی از واژه ارائه نمی‌دهد؛ در رساله حاضر تحلیلی جامع از اطلاعات معنایی و الگوهای نحوی واژه‌های «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی ارائه می‌شود. مثال‌های نحوی از پیکره دادگان زبان فارسی (عاصی، ۱۳۸۴) ارائه می‌شود. این پیکره همواره به‌روز می‌شود و دارای متن‌های نشانه‌گذاری شده (شناسنامه متن، برچسب‌های دستوری، آوایی، ریشه‌ای و معنایی) است و آثاری متعلق به فارسی معاصر را دربرمی‌گیرد. آثار مذکور از گونه‌های نوشتاری با استفاده از متن‌های معتبر و با رعایت معیارهای مختلف نمونه‌گیری شده است.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

دو پرسش مطرح در پژوهش حاضر برای تحلیل افعال «شنیدن» و «گوش دادن» در زبان فارسی با اتخاذ نظریه معنانشناسی قالبی و اصول شبکه معنایی فریم‌نت به شرح زیر است:

⁴ Syntactic Patterns	4
⁴ Annotate	5
⁴ Lexical Entries	6
⁴ World Knowledge	7

(۱) چگونه می‌توان با بررسی و تحلیل معنایی واحدهای واژگانی خاص فرهنگ زبان فارسی بر اساس اصول شبکه معنایی فریم‌نت در حوزه‌های مفهومی افعال «شنیدن» و «گوش دادن» به عنوان نمونه، الگویی فراگیر برای تدوین قالب‌های معنایی مفاهیم دیگر را به دست داد؟

(۲) قالب‌های معنایی واحدهای واژگانی خاص فرهنگ زبان فارسی در حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» در چه مؤلفه‌هایی و تا چه میزان از قالب‌های معنایی همین حوزه‌ها در زبان انگلیسی متفاوت است؟

۱-۵. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به دو پرسش مطرح شده، این رساله بر دو فرضیه استوار است:

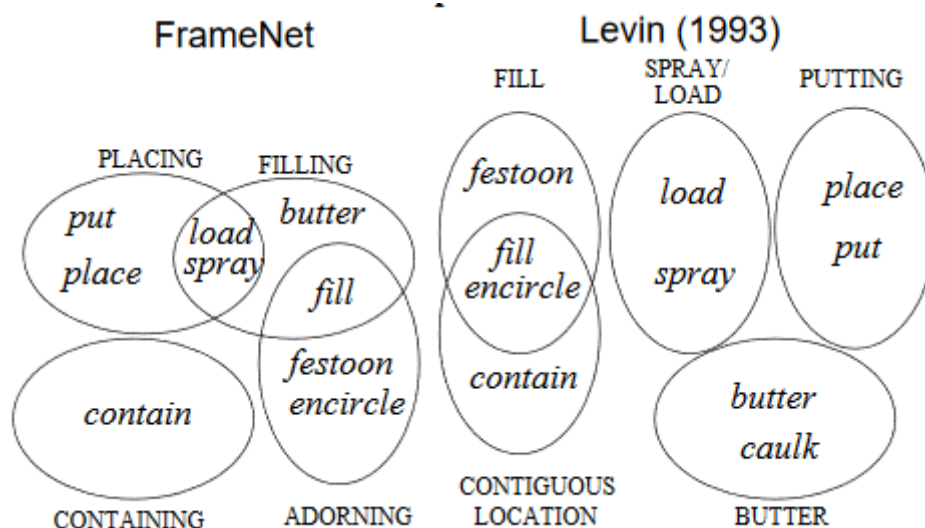
- (۱) اصول به کار گرفته شده در شبکه معنایی فریم‌نت در بررسی واژه‌های فرهنگی در زبان‌های دیگر نیز کارآمد خواهد بود و می‌توان واژه‌های خاص فرهنگ زبان فارسی مانند افعال «شنیدن» و «گوش دادن» را نیز در این رویکرد بررسی نمود و به تمام ابعاد معنایی آن می‌توان دست یافت.
- (۲) قالب‌ها یا همان اجزای قالب میان دو زبان انگلیسی و فارسی در حوزه‌های مفهومی «شنیدن» و «گوش دادن» در برخی از مؤلفه‌های معنایی از هم متفاوتند.

۱-۶. ضرورت انجام پژوهش

پیش از پرداختن به رساله حاضر، می‌توان به نکته‌ای اشاره نمود که شبکه‌های معنایی موجود مانند ورب‌نت^۴ چه در سطح نظریه پردازی، و چه در سطح داده پردازی و همچنین کاربرد در زبانشناسی پیکره‌ای یا زبانشناسی رایانشی دارای چه خلأ یا خلأهایی هستند که شبکه فریم‌نت می‌تواند پرکننده خلأهای مذکور باشد.

بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲) در مقاله‌ای شبکه ورب‌نت را با شبکه فریم‌نت مقایسه کرده‌اند و به تفاوت‌های موجود میان دو شبکه اشاره کرده‌اند: نکته اولی که بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۱) به آن اشاره داشته‌اند این است که شبکه ورب‌نت تنها به طبقه‌بندی افعال زبان انگلیسی پرداخته است، درحالی‌که در شبکه فریم‌نت، واژه‌ها بر اساس سازه‌های مفهومی یا همان قالب‌های معنایی که در پس‌زمینه معنایی واژه‌ها هستند، طبقه‌بندی می‌شوند و الگوهای ترکیبی واژه‌ها از پیکره استخراج می‌شود. لوین (۱۹۹۳: ۲۲) معتقد است مفاهیم یک فعل در طبقه‌های گوناگونی قرار می‌گیرد ولی مشخص نمودن این مفاهیم چندان دقیق نیست. بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۲) معتقدند با توجه به تعداد قالب‌های معنایی در شبکه فریم‌نت و فعل‌های موجود در شبکه ورب‌نت، می‌توان انتظار داشت بسیاری از قالب‌ها معادل طبقه‌های فعلی لوین باشند. آنها در ادامه

چنین اظهار داشته‌اند که علی‌رغم وجود تفاوت‌ها، شباهت‌هایی را می‌توان میان این دو شبکه مشاهده نمود. آنها در ادامه نمایی از دو فعل «load» و «fill» و افعال مرتبط با این افعال را از دو شبکه ارائه نموده‌اند:



تصویر ۱: شبکه وربنت و شبکه فریم‌نت

بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۲) اینگونه بیان داشته‌اند که در شبکه فریم‌نت محمول‌ها بر اساس معناشناسی مشترک به قالب‌های معنایی مرتبط می‌شوند و برای دسته‌بندی افعال لازم نیست تمام الگوهای نحوی آنها دوباره نمایش داده شود. با توجه به تصویر بالا، دو فعل «load» و «fill» در قالب «پرکردن»^۴ جای گرفته‌اند. البته فعل «load» در قالب «قرار دادن»^۵ نیز قرار دارد؛ درحالی‌که فعل «fill» در قالب «آراستن»^۵ نیز جای دارد. از آنجایی‌که الگوهای متغیر^۲ در شبکه وربنت بسیار مهم است، متغیرها و غیرمتغیرها را نمی‌توان در یک طبقه فعلی مشترک جای داد و تبادل بین دو فعل «load» و «fill» در الگوهای نحوی دو جمله (۱) و (۲) زیر غیرممکن است:

(1) While the shop assistant helped another customer and the children played, the 2 adults filled their pockets with rings and other valuables.

(2) He loaded the barrow with paving stones before running straight through a plate glass window at the B superstore in South Shields.

نکته دومی که بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۳) به آن اشاره نموده‌اند این است که تمام طبقه‌بندی‌ها و مدخل‌های واژگانی در شبکه فریم‌نت بر اساس شواهد پیکره‌ای انجام می‌شوند، لذا بسیاری از اعضایی که در طبقه‌های

⁴ Filling	9
⁵ Placing	0
⁵ Adorning	1
⁵ Alternation patterns	2

شبکه و رِبَنت وجود دارد را نمی‌توان در پیکره شبکه فریم‌نت پیدا نمود. آنها (همان: ۳) برای این منظور افعال (telex, wire, semaphore, phone, telephone, cable, telegraph, radio, fax) را از حوزه «ابزار ارتباطی» مثال می‌زنند که تنها افعال «cable» و «telephone» در جملات زیر را توانستند در پیکره ملی بریتانیا پیدا کنند:

(3) The winner, Heather cabled (Sara), would be announced tonight.

(4) In October 1944, Mr. Argles telephoned the Birmingham office and said that his wife was severely indisposed.

اساس شبکه و رِبَنت بر این فرض استوار است که دسته‌بندی واژه‌ها بر اساس متغیرها، منجر به تولید طبقه‌هایی می‌شود که به لحاظ معنایی منسجم هستند. بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۴) در بیان نکته سوم، به مقایسه میان دسته‌بندی و به عدم تطابق‌های میان این دو شبکه پرداخته‌اند. به عنوان مثال، لوین برای افعال «پختن» از سه متغیر سببی^{۵۴} آغازی^{۵۵} واسط^{۵۶} و ابزار^{۵۷} استفاده نموده است و افعال زیر را در این دسته قرار داده است:

bake, barbecue, blanch, boil, braise, broil, brown, charbroil, charcoal-broil, coddle, cook, French fry, fry, grill, hard-boil, heat, microwave, oven-fry, oven-poach, over-cook, pan-broil, pan-fry, parboil, parch, perk, plank, poach, pot-roast, rissole, roast, sauté, scald, scallop, shirr, simmer, steam, stew, stir-fry, toast, ...

در شبکه فریم‌نت واژه‌های زیر با عنوان واحدهای واژگانی در قالب «گرمای تاثیر گذار»^{۵۸} ذخیره شده‌اند: baste, blanch, boil, braise, broil, brown, char, coddle, fry, grill, microwave, parboil, poach, roast, sauté, scald, simmer, steam, steep, stew, toast, ...

با این وجود برخی از این متغیرها به ندرت در همه موارد یافت می‌شوند. به عنوان مثال از ۱۴۲ جمله نشانه گذاری شده فعلی در قالب «گرمای تاثیر گذار» که در آن جزء قالب «غذا» وجود دارد، در هیچ کدام از متغیر واسط استفاده نشده است.

نکته چهارمی که بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۵) به آن اشاره نموده‌اند این است که برخی از طبقه‌های لوین بسیار جزئی‌تر و برخی بسیار گسترده‌تر از قالب‌های شبکه فریم‌نت هستند. آنها برای طبقه‌های جزئی‌تر، به

⁵ British National Corpus (BNC) ³

⁵ Causative ⁴

⁵ Inchoative ⁵

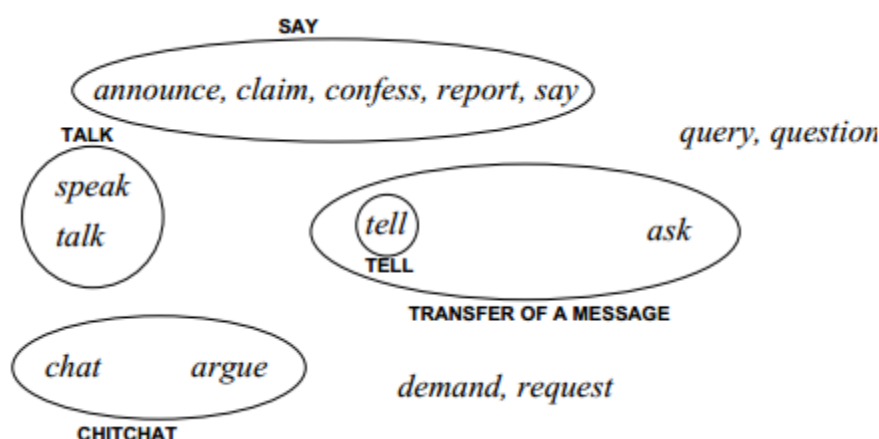
⁵ Middle ⁶

⁵ Instrument Subject ⁷

⁵ Apply_heat ⁸

دو طبقه افعال «Putting» و «Placing» اشاره نمودند که در شبکه وربنت متعلق به دو طبقه مجزا هستند درحالیکه در شبکه فریمنت این دو فعل در قالب «قرار دادن» گتجانده شده‌اند. برای طبقه‌های گسترده‌تر، طبقه «تعامل اجتماعی» را مثال می‌زنند که واژه‌های «correspond»، «marry» و «meet» در یک طبقه قرار می‌گیرند. معیار لوین برای دسته‌بندی این طبقه، وجود یک رابطه متقابل و دوطرفه بوده است. بیکر و روپنهوفر (همان: ۵) معتقدند با وجود این معیار، واژه‌های بیشتری نیز می‌توانند در این طبقه قرار بگیرند و اعضای این طبقه، به لحاظ معنایی تفاوت‌های بسیاری با هم دارند و طبقه، بسیار گسترده است. درحالیکه این واژه‌ها در شبکه فریمنت در سه قالب «مکالمه ارتباطی»^۹، «روابط شخصی»^{۱۰} و «نمایش عواطف»^{۱۱} قرار گرفته‌اند.

نکته پنجمی که بیکر و روپنهوفر (۲۰۰۲: ۶) در ارتباط با تفاوت میان این دو شبکه ذکر نموده‌اند، طبقه‌های هم‌پوشان هم هستند. آنها برای این منظور افعال «speak» و «talk» را مثال زده‌اند. این دو فعل در شبکه وربنت در یک طبقه قرار دارند درحالیکه در شبکه فریمنت اینگونه نیست. در تصویر ۲، دسته‌بندی لوین و در تصویر ۳، دسته‌بندی شبکه فریمنت را می‌توان مشاهده نمود.



تصویر ۲: طبقه‌بندی لوین

⁹ Communication_conversation

¹⁰ Personal_relationship

¹¹ Display_of_affection